مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۳
Print ISSN: 2664-9144

سازِکارهای دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی

فضل احمد مصباح[۱]

چکیده

اختلافات بین‌المللی یکی از چالش‌های عصر حاضر به شمار می‌رود که لازم است برای دفع نتایج نا گوار آن قواعدی مناسب را جستجو نمود زیرا همواره، بین دولت‌ها اختلافات و وضعیت‌های مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی وجود داشته است و از این رو، دولت‌ها تلاش نموده‌اند تا با روش‌های مسالمت‌آمیز یا با استفاده از قدرت نظامی به حل و فصل آنها بپردازند. در زمان‌های گذشته، حقوق بین‌الملل مشروعیت بکارگیری روش‌های مسالمت‌آمیز و استفاده از زور را برای حل و فصل این اختلافات به رسمیت می‌شناخت و تنها تلاش می کرد تا کاربرد این روش‌ها و ضمانت اجرای آنها را قاعده‌مند سازد. لذا، طرح این موضوع که سازِکارهای دیپلماتیک چقدر در روند حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مؤثر است مهم می نماید. در این تحقیق، نویسنده با بهره‌گیری از روش توصیفی– تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ی به دنبال این است تا بعد از تبیین مفهوم اختلافات بین‌المللی، سازِکارهای دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی را بیان دارد. به همین منظور، در این تحقیق سعی شده است با عنایت به اسناد و میثاق‌های بین‌المللی، راجع به سازِکارهای دیپلماتیک مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی معلومات کاملی را ارایه نمود. یافته‌ها و نتایج به دست‌آمده از تحقیق نشان‌می‌دهد که میثاق‌های بین‌المللی، تأکید بر اصل مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی نموده و دست‌برد به زور و قدرت نظامی را غیرمشروع پنداشته اند. بنابراین، مذاکره، پایمردی یا مساعی جمیله، میانجی‌گری، تحقیق و در نهایت، سازش به‌عنوان سازِکارهای مهم دیپلماتیک حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی تشخیص گردید.

واژگان کلیدی: سازِکار، مسالمت‌آمیز، میانجی‌گری، سازش، اختلافات‌بین‌المللی، مساعی جمیله.

۱. عضو کادر علمی پوهنحی حقوق و علوم سیاسی مؤسسه تحصیلات عالی تاج (azlahmadmesbah@gmail.com)

۱. مقدمه

جامعه بین‌المللی جامعه‌ای است که متشکل از کشورهای مستقل با نظام‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف که بنابر مقتضیات و مصالح ملی خود با یکدیگر روابط متقابل برقرارمی‌نمایند. روابط بین کشورها زائیده مجموعه عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سایر عوامل می‌باشد. از آنجا که عوامل فوق نسبت به تمامی کشورها یکسان و یکنواخت نمی‌باشد، مقاصد و اهدافی که کشورهای مختلف در صدد تحصیل آن در صحنه بین‌المللی هستند، راه‌های دستیابی به آن متفاوت هست. با توجه به این موضوع است که قانون حاکم در جامعه بین‌الملل قانون «ناسازگاری و رقابت» است؛ زیرا کشورها برای رسیدن به اهداف و منافع خود با کشورهای دیگر رقابت می‌کنند. پس، با این وجود تعارض و تضاد دولت‌ها بر سر کسب منافع منجر به ایجاد اختلافات بین آنها می شود که به اختلافات بین‌المللی معروف هست(علی، ۱۳۷۸/ ۴).

تاریخ بشریت مملو از جنگ واختلافات خانمان‌سوزی بوده، حتی اینکه جنگ یکی از مشخصات بارز تاریخ بشریت به شمار می رود. کشورها در پرتو حقوق بین‌الملل تقلیدی برای حل و فصل اختلافات شان، از روش‌های جبر و زور، کار می‌گرفتند، مانند متوسل‌شدن به نیروی نظامی. اما با توسعه جامعه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل توسعه پیدا نمود و استفاده از زور را در حل اختلافات بین‌المللی ممنوع قرار داد، به همین منظور نیاز مبرم حل اختلافات بین المللی با روش های مسالمت‌آمیز محسوس گردید.

یکی از اصول حقوق بین‌الملل این است که دولت‌ها باید اختلافات خود را با روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند و به این منظور، نباید به استفاده از زور متوسل شوند. ماده سی‌وسوم منشور ملل متحد و اعلامیه مانیل (۱۹۸۲) در مورد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات این اصل را تقویت و تایید می‌کند و در روابط بین‌المللی، اکثر اختلافات از رهگذر مذاکره مستقیم بین طرف‌های اختلاف یا با مساعدت یک طرف ثالث به شکل تلاش‌های نیک، سازش یا روش تحقیق، حل و فصل می‌شوند(صلح چی، نژندی منش، ۲۱/۱۳۹۳).

در آغاز قرن نوزدهم، تلاش‌هایی به منظور تحدید حل و فصل اختلافات با توسل به زور صورت گرفت. کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و۱۹۰۷ در مورد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، در حالی که هنوز هم انتخاب روش‌های مسالمت‌آمیز یا غیرمسالمت‌آمیز را به دولت‌ها واگذار می‌کرد، از دولت‌ها می‌خواست تا در حد امکان و تا جایی که اوضاع و احوال اجازه می‌دهد، قبل از توسل به زور، بکارگیری ابزار مسالمت‌آمیز را بر روش‌های غیرمسالمت‌آمیز ترجیح دهند.

با لازم‌الاجراشدن منشور ملل متحد در تاریخ ۲۴ اکتبر۱۹۴۵ میلادی، اصل فیصله مسالمت‌آمیز اختلافات، مورد تایید رسمی و قطعی دولت‌ها قرار گرفت. ماده اول منشور که اهداف سازمان را تعیین می‌کند، از ضرورت «حل و فصل یا تعدیل اختلافات یا وضعیت‌های بین‌المللی که ممکن است به نقض صلح منجر شوند با روش‌های مسالمت‌آمیز و بر اساس اصول عدالت و حقوق بین‌الملل" سخن می‌گوید. بند ۳ ماده ۲ منشور به طور صریح بیان می‌نماید که «تمام اعضاء باید اختلافات بین‌المللی خود را با روش‌های مسالمت‌آمیز، حل و فصل نمایند؛ به نحوی که امنیت وعدالت بین‌المللی به مخاطره نیافتد». برای عملی‌کردن این اصل، فصل ششم تحت عنوان «حل وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات» در نظر گرفته شده است. اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز با تعهد تمام دولت‌های عضو سازمان مبنی بر پرهیز از تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌المللی شان گره خورده است، در

عصر حاضر، یک اصل تغییرناپذیر حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. سؤالی که در این تحقیق قابل طرح است اینست که سازِکارهای دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی چیست؟

محقق در این تحقیق، با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی و با گردآوری منابع معتبر علمی بصورت کتابخانه‌ای، در نخست، به مفاهیم و مبانی نظری تحقیق پرداخته و سپس، به سازِکارهای دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی و در اخیر، به نتیجه‌گیری پرداخته است.

۲. پیشینه تحقیق

سازِکارهای دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی موضوعی است که در کتاب‌های متعددی پیرامون آن نگاشته شده است، تا جاییکه نگارنده تحقیق نموده است، به زبان فارسی وعربی چندین جلد کتاب و عنوان پایان‌نامه نوشته شده است که از باب نمونه به چند مورد آن، بصورت ذیل اشاره می‌شود:

۱. کتاب دکتر محمد علی صلح چی و دکتر هیبت الله نژندی منش تحت عنوان "حل و فصل مسالمت-آمیز اختلافات بین‌المللی" که نویسنده به شکل کلی از پیدایش اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات شروع تا روش‌های سیاسی و حقوقی حل اختلافات بین‌المللی را بشکل مفصل و تشریحی اشاره نموده است.

۲. پایان نامه ماستری، هدی بکری محمد مختار، تحت عنوان «الوسائل السلمیه لحل النزاعات الدولیه»، که جهت نیل مرحله ماستری نوشته نموده است. محقق در این رساله به روش‌های مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی به زبان عربی نوشته‌اند.

تحقیق حاضر با تحقیقات قبلی از لحاظ موضوع تفاوت دارد؛ چون تحقیقات قبلی موضوع شان عام است و پیرامون همه سازِکارهای حل و فصل اختلافات بین‌المللی می پردازد اعم از روش‌های حقوقی و سیاسی. در حالیکه، تحقیق حاضر روی یک جنبه خاص از سازِکارهای حل و فصل اختلافات بین‌المللی می پردازد و آنهم، سازِکارهای دیپلماتیک می‌باشد.

۳. مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

از آنجاکه اختلافات بین‌المللی محتمل معانی ومفاهیم متعدد و گوناگون است، وهر مفهومی ممکن است در بستر خاصی، از تعابیر متفاوتی بر خوردار باشد، لذا در این قسمت از مقاله، قبل از ورود به بدنه‌ی اصلی تحقیق، به بازشناسی و واکاوی و تبیین مفاهیم اصلی و مرتبط به تحقیق توضیح اسباب اختلاف و انواع نزاع یا اختلافات بین‌المللی می پردازیم.

۳. ۱ مفاهیم

در این جا به مفاهیم و واکاوی مفاهیم اصلی تحقیق می پردازیم:

۱.۱.۳ مفهوم سازِکارهای دیپلماتیک

واژه «دیپلماتیک» مرادف آن به انگلیسی Diplomatiqu است که مربوط به سیاست و امور سیاسی می‌شود(فرهنگ عمید- ج ۲ ص ۱۱۷۰، ۱۳۸۱).

– سازِکار به معنی میکانیزم، روش و ابزار است و سازِکاردیپلماتیک، به روش و میکانیزم‌های اطلاق می‌شود که با استفاده از ابزار سیاسی، اختلافات بین‌المللی را حل و فصل می‌نماید. به عبارت دیگر، سازِکاردیپلماتیک آئین‌هایی است که معمولاً کشورها به منظور فیصله اختلافات میان خود از آنها استفاده‌می‌کنند. این‌روشها عبارتند از: مذاکره، مساعی جمیله، میانجی‌گری، تحقیق و سازش.

۲.۱.۳ مفهوم نزاع

واژه نزاع از فعل (نزع به وزن ضرب) است. جمع آن، نزاعات است که به معنی (نزع‌الشی) گرفتن و کشیدن چیزی از طریق زور می‌باشد. عرب‌ها وقتی درگیری و اختلاف بین اقوام پیش می‌آمد، می‌گفتند "تنازع‌القوم" (اختصموا، بینهم نزاعه‌ای خصومه فی‌الحق) درهم‌افتادن، بین شان اختلاف و کشمکش بخاطر مشخص کردن حق است(ابن منظور،۲۰۰۳). همچنان نزاع به معنای جنگ واختلاف آمده است(فرهنگ محیط‌المحیط. ۱۹۹۸).

اصطلاح نزاع در فرهنگ سیاسی و اجتماعی به معانی متعدد آمده: تضاد منافع، اختلاف تمدن‌ها، تناقضات و تعارضات فرهنگی، جنگ‌های مسلحانه و سرحدی.

نزاع در اصطلاح، اختلافی که بین دو دولت و یا بین دولت و موسسه‌های دولتی و یا اختلاف که بین نهادهای بین‌المللی به وقوع می‌پیوندد. یا به تعبیر دیگر، نزاع بین‌المللی به اختلافی گفته میشود که بین دو کشور ارتباط به یک موضوع حقوقی، و یا یک واقعیت عینی، و یا تضاد و تناقض بر سر منافع اقتصادی، سیاسی، و نظامی بین شان رخ‌می‌دهد(الشافعی، ۱۹۷۱).

بناءً، مراد از نزاع بین‌المللی، آن اختلافی است که اطراف آن دولت‌ها و اشخاص حقوق بین‌المللی می باشد، اما اختلافات که بین اشخاص عادی و یا موسسه‌های غیر حکومتی رخ میدهد، از قلمرو حقوق بین‌الملل خارج می باشد.

۳.۱.۳ مفهوم اختلاف

اختلاف به معنی با یکدیگر خلاف‌کردن، مخالف‌شدن، ناسازگاری‌داشتن، ناجوربودن آمده است(فرهنگ عمید فارسی، ۱۳۸۱). همچنان، لغت‌نامه دهخدا اختلاف را به تعابیر ذیل بکار برده است: نقیض اتفاق، عدم موافقت، ناسازگاری، ناسازواری، با یکدیگر خلاف کردن. بناءً، اختلاف عبارت از "عدم توافق در خصوص یک مسأله یا حکمی یا تعارض دیدگاه‌های حقوقی یا منافع حقوقی" می‌باشد.

۴.۱.۳ مفهوم اختلافات بین‌المللی

دیوان دایمی دادگستری بین المللی اختلاف بین المللی را چنین تعریف کرده است:« عدم توافق بر سر یک موضوع حقوقی و یا یک واقعیت و همچنین، اختلاف نظر حقوقی و یا تعارض منافع میان طرفین آن(ضیائی بیگدلی،۱۳۹۵).

اختلاف بین المللی به دو نوع است:

اختلافات حقوقی: در صورتی که در زمینه مسائل حقوقی تضاد در خواست پدیدار گردد و در نتیجه اختلاف بروز نماید آنرا اختلاف حقوقی گویند که به موجب مقررات حقوق بین‌الملل حل و فصل می گردد، مانند

(اختلاف ناشی از تفسیر معاهده، اختلاف ناشی از موضوعات حقوق بین‌الملل، اختلاف ناشی از نقض تعهد بین‌المللی).

اختلاف سیاسی: اختلاف است که در آن یکی از طرفین دعوا خواهان تغییر یا اصلاح وضع موجود است. این گونه اختلافات که مبتنی بر تعارض یا تضاد منافع دو یا چند کشور است. به تعبیر دیگر، اختلاف سیاسی به اختلافی گفته می‌شود که روی منافع دو یا چند دولت تعارض داشته باشند.

۵.۱.۳ تعریف مذاکره

از مذاکرات به سبب تنوّع بسیاری که دارند، تعاریف متفاوتی ارائه شده است. پرفسور مارسل مارسو[1] می‌گوید: «مذاکره، گفتگو برای حل مسأله متنازعٌ فیه بین طرفین اختلاف از طریق توافق، با چشم پوشی احتمالی از قسمتی از ادعاهای اولیه است».

۲.۳ مبانی نظری

۱.۲.۳ آموزه‌های دینی

در دین مقدس اسلام هم تأکید بر اصل مسالمت‌آمیز اختلافات شده است. الله متعال در قرآن عظیم‌الشأن می‌فرماید: «وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»(سوره انفال –آیه ۶۱). ترجمه: اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند، تو نیز به صلح تمایل نشان بده و بر خداوند توکل کن، زیرا او شنوا و دانا است.

عن أَبُو أَيُّوبَ اَلْأَنْصَارِيُّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اَللَّهِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : يَا أَبَا أَيُّوبَ أَلاَ أُخْبِرُكَ وَ أَدُلُّكَ عَلَى صَدَقَةٍ يُحِبُّهَا اَللَّهُ وَ رَسُولُهُ تُصْلِحُ بَيْنَ اَلنَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَبَاعَدُو(ورام،۱۳۶۹،ص۶)

ترجمه: ای ابو ایوب، آیا تو را به صدقه‌ای که خدا و رسول او آن را دوست دارند، آگاه و راهنمایی نکنم؟ (و آن صدقه این است که هرگاه مردم با هم بد شدند و از یکدیگر دوری کردند، میان آنها اصلاح کنی.

در آیات متعدد دیگری نیز آمده که «الصلح خیر» (سوره النساء – آیه ۱۲۸) و همچنان، «فلا تهنوا و تدعوا الی السلم وانتم الاعلون والله معکم ولن یترکم اعمالکم» (سوره محمد – آیه۳۵) همه روایات دلالت به روش‌های مسالمت‌آمیز جهت خاموش‌کردن شعله جنگ و اختلافات دارد.

۲.۲.۳ اسناد بین‌المللی

طرفین هر اختلاف، که ادامه آن محتمل است حفظ صلح وامنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز، از طریق مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بناءً به انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند(منشور ملل متحد – ماده ۳۳).

طبق ماده ۲ بند ۳ منشور ملل متحد همه اعضا مکلف اند تا اختلافات بین‌المللی خود را از طریق وسایل مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند تا صلح، امنیت بین‌المللی و عدالت را به خطر نیاندازند.

همچنان بند ۴ ماده مذکور توسل به زور را ممنوع قرار داده است، و آنجا که حل وفصل مسالمت آمیز اختلافات دارای اهمیت بوده فصل ششم منشور را اختصاص به همین موضوع داده اند.

1 Marcel Marceau

در معاهدات و میثاق‌های گوناگونی دیگری نیز تأکید به این اصل شده و دولت‌ها مکلف گردیده اند تا در صحنه بین‌المللی از استفاده زور و هرگونه اعمالی خشونت‌بار دیگر که منجر به اخلال صلح بین‌المللی و عدالت می‌شود خود دارای نمایند.

۴. سازِکارهای دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی

در حال حاضر، حقوق بین‌الملل دو نوع سازِکار مسالمت‌آمیز را برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی مد نظر گرفته‌است. یکی سازِکارهای حقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی و دیگر، سازِکارهای دیپلمانیک حل و فصل اختلافات بین‌الملل. در این جا، به مهم‌ترین سازِکارهای دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی می‌پردازیم.

۱.۴.مذاکره[1]

مذاکره از رایج‌ترین شیوه‌های سیاسی حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی است و نخستین گام و مقدّمه توسّل به دیگر روش‌های حل مسالمت‌آمیز می‌باشد. حتی، پس از وقوع جنگ بین دو کشور، مذاکره اهمیت زیادی دارد. در ماده ۳۳ منشور ملل متحد، مذاکره به‌عنوان اولین سازِکار غیر حقوقی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی ذکر شده است.

این ساده‌ترین و آسان‌ترین وسیله‌ای است که دولت‌ها برای حل اختلافات خود به آن پناه می‌برند. مذاکره معمولاً، توسط نمایندگان حکومت‌های متنازع صورت می‌گیرد که بین خود مباحثاتی را به‌منظور تبادل نظر در موضوعات مورد اختلافات و طرح دیدگاه‌ها و رسیدن به راه حل‌های قناعت‌بخش برای طرفین به راه می‌اندازند. این مذاکرات گاهی به صورت شفاهی (کنفرانس‌ها) انجام می‌شود و گاهی هم، به صورت کتبی با مبادله نامه‌ها و اسناد دیگر. برای کامیابی مذاکره لازم است که اشکال و روش‌های سیاسی مذاکره کنندگان، متساوی یا مشابه و در سطح همدیگر باشد وگرنه دولت‌های ضعیف‌تر، شکار معامله‌ای خواهند شد که از سوی دولت قدرتمندتر القا یا تحمیل می‌گردد(سرور دانش،۵۱۳/۱۳۹۳).

مذاکره شیوه اولیه و مقدماتی حل و فصل اختلافات است. هرگاه دولت‌ها در مورد حقوق و تکالیف متقابل خود موافقت نداشته باشند، لزوماً، وارد مرحله‌ای می‌شوند تا خواسته‌های خود را توجیه نمایند.

مذاکرات تنها در صورتی محقق می‌شود که خواسته‌ها بیان شود و به آنها واکنش نشان داده شود. در این معنا، مذاکره از صرف ارایه‌ی اطلاعات یا حتی مشاوره فراتر می‌رود. به این‌معنا که یک طرف، به دیدگاه‌های طرف دیگر توجه می‌کند و موضع خود را ابراز می‌نماید(صلح چی/نژندی منش، ۵۲/۱۳۹۳).

مؤثریت حل منازعات از طریق مذاکرات مستقیم دیپلماتیک در اینست که فشاری برای انجام مذاکرات در بین نبوده، بلکه طرف‌ها به رضایت رغبت خود داوطلبانه به مذاکره حاضر می‌شوند. در مذاکرات باید همه طرف‌ها دارای حقوق مساوی بوده و ضعیف و قوی یا کوچک و بزرگی مطرح نباشد، در غیر آن، به نتیجه مطلوب نمی‌توانند برسند. مذاکرات باید به حسن نیت انجام یابد و دولت‌های ثالث در آن دخالت ننمایند(صافی،۱۸۳/۱۳۹۰).

1. Negotiation

۱.۱.۴ تاریخچه

عهد باستان تعهد حقوقی را برای انجام مذاکرات، پیش از توسل به زور به رسمیت شناخت. برای نمونه، کالج فیتال در روم، نمایندگان یا پیک‌هایی می فرستاد تا خواسته‌های دولت خود را به طرف دیگر اختلاف ارایه می‌کردند و خواستار جبران شکایات روم پیش از پیدایی وضعیت جنگی می‌شدند. در قرون وسطی، از سوی حقوقدانان و متاخرین در خصوص ویژگی جنگ عادلانه مباحث مفصلی ارایه شد و همچنین، ضرورت انجام مذاکره پیش از اعمال زور مورد توافق همه قرار گرفت. هوگو، گروسیوس[1] و اتباع آن به این سنت ادامه دادند و بر ضرورت انجام مذاکره اصرار می‌ورزیدند. در سده‌های بعدی، همچنان توسل به زور بدون انجام مذاکره مورد نکوهش بود، چون توسل فوری به زور قبل از کوشش برای انجام مذاکره در ابتدا، امری مذموم و ناپسند است. در عصر حاضر، که روابط میان ملت‌ها در ابعاد متفاوت‌اش گسترش یافته است، شاهد انعقاد توافق‌نامه‌ها میان وزارتخانه‌های امور خارجه از طریق مذاکرات می‌باشیم. دولت‌ها سعی و تلاش می نمایند تا اختلافاتی که میان شان بروز می‌نماید، از طریق مذاکرات حل و فصل نمایند(صلح چی/ نژندی منش، ۵۶/۱۳۹۳).

۲.۱.۴ مفهوم و روش‌های مذاکره

تردیدی نیست که مذاکره بهترین سازِکار برای پایان بخشیدن به اختلافات بین طرفین است. اکثر اختلافات بین دولت‌ها از طریق مذاکره حل و فصل می‌شوند. به طور کلی، مهم‌ترین ابزار تعامل انسان‌ها در عصر حاضر گفت و گو (مذاکره) است.

مذاکره روشی است دیپلماتیک که طی آن، نماینده‌های کشورها از طریق تماس شخصی مستقیم یا مکاتبه، درباره موضوعاتی که ایجاد نگرانی متقابل کرده، به بحث می‌پردازند و بخاطر حل اختلافاتی که میان شان پدید آمده است، تلاش می‌کنند(علی بابایی، ۱۳۸۷، ۵۳۸).

دیوان دایمی دادگستری در خصوص قضیه فلات قاره در دریای شمال، مذاکره را سازِکار دوستانه مستقیم پذیرفته شده جهانی توصیف می‌کند. هدف از مذاکره یافتن راه حل اختلاف به طریق دوستانه است که در واقع، سازشی است بین ادعاهای متضاد. برای مذاکره دو ویژگی ذکر شده است انعطاف‌پذیری و دیگر مؤثربودن، این روش در کلیه اختلافات اعم از سیاسی، حقوقی، تجاری و فنی، سازِکاری انعطاف‌پذیر و مناسب‌ترین روش است. همچنین، مذاکره روش کارآمد و موثر در حل و فصل اختلافات به شمار می‌آید(صلح چی/ نژندی منش،۱۳۹۳).

برای مذاکره تشریفات ویژه مشخص نشده است. نتیجه مذاکره ممکن است به شکل معاهده، یاداشت، تفاهم‌نامه درآید.

بدیهی است که الزام حقوقی معاهده بیش از روش‌های دیگر است و به هر حال، آنچه مهم است قصد طرفین می‌باشد نه ظاهر سند. مذاکره ممکن است دو یا چند جانبه باشد.

مذاکرات مستقیم برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی بوسیله مبادله مراسلات سیاسی یا برگزاری اجلاس، کنگره و کنفرانس صورت می گیرد که برای وضاحت موضوع به بیان هر کدام می پردازیم:

1. Hugo Grotuis

۱.۲.۱.۴ مبادله مراسلات سیاسی

در صورتی که اختلافات میان دو دولت چندان مهم و قوی نباشد و روی مسایل جزئی تعلق داشته باشد در این صورت بوسیله مبادله مراسلات سیاسی می‌توان به حل و فصل آن اقدام نمود. در همچون موارد، مذاکرات بین وزیر امور خارجه و نماینده سیاسی دولت طرف مقابل شکل می‌گیرد.

۲.۲.۱.۴ تشکیل کنگره و کنفرانس

در مواردی که بیش از دو دولت در اختلاف شرکت داشته باشند و یا اختلاف راجع به موضوعات مختلف و متعدد و مربوط به سیاست چند دولت باشد، تشکیل کنگره، کنفرانس و یا برگزاری اجلاس‌ها و نشست‌ها ضروری خواهد بود. از نظر حقوقی، بین کنگره و کنفرانس فرقی وجود ندارد ولی عملاً چنین نبوده و معمولاً تعداد دولت‌هایی که در کنگره شرکت می‌نمایند، نسبتاً زیاد و رسمیت کنگره و اهمیت موضوع مطروحه در درجه اول قرار گرفته است. اغلب مسایل مربوط به سیاست بین‌المللی در کنگره‌ها مطرح می‌شود و برای نمونه، می‌توان به کنگره وستفالی سال ۱۶۴۸ میلادی، کنگره وین سال ۱۸۱۵ میلادی، کنگره اکس لاشایل سال ۱۸۱۸ میلادی، کنفرانس لندن سال ۱۸۷۱ میلادی، کنگره برلین سال ۱۸۷۸ میلادی، کنفرانس منع تجارت برده بروکسل سال ۱۸۹۰ میلادی، کنفرانس‌های صلح لاهه سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ میلادی اشاره نمود.

۳.۱.۴ اهمیت و جایگاه مذاکره

در بین روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، مذاکرات دیپلماتیک امروزه از مهم‌ترین جایگاه برخوردارند. حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از روش‌های مذاکرات دیپلماتیک در بسیاری از کنوانسیون‌ها معین شده است. در تمام اسناد ذیربط سیاسی و بین‌المللی روش‌های دیپلماتیک حل و فصل اختلافات روش‌هایی را مشخص می‌کنند که مبتنی بر مذاکره هستند.

۲.۴ تلاش‌های نیک یا مساعی جمیله[1]

تلاش‌های نیک با مذاکرات دیپلماتیک ارتباط نزدیکی دارد. تلاش‌های نیک در کنوانسیون لاهه راجع به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات آمده و همچنین در اعلامیه مانیل، به‌عنوان ابزاری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مطرح شده است. طرف ثالثی که تلاش‌های نیک خود را ارائه می دهد (یک دولت، دبیرکل ملل متحد یا هر سازمان بین‌الملل دیگری یا یک شخص سرشناس بین‌المللی) به محض اینکه بین طرفین ارتباط بر قرار کند و احیاناً، آنها را سر میز مذاکره بنشاند، می‌توان گفت مأموریت خود را کامل کرده است(صلح چی/نژندی منش، ۱۳۹۳).

صحبت در مورد مساعی جمیله مستلزم آنست که ابتدا آن را تعریف نمائیم، سپس، نهادی که آنها را انجام می دهد توضیح، و در نهایت ویژگی آن را بر جسته سازیم.

۱.۲.۴ تعریف تلاش‌های نیک یا مساعی جمیله

مساعی جمیله تلاش یک طرف ثالث برای نزدیک کردن دیدگاه‌های اطراف درگیر و ترغیب آن‌ها برای یافتن راه حلی پیرامون نزاع و اختلاف است که بین آنها وجود دارد.

1. Good Offices

مساعی جمیله به ابتکار یکی از اشخاص بین‌المللی گفته می‌شود که تلاش می‌نماید تا اطراف درگیر را به میز مذاکره بیاورد بدون دخالت در روند شکل‌گیری مذاکرات. در آیین تلاش‌های نیک شخص ثالث خود به طور مستقیم در حل ماهوی اختلاف دخالت نمی‌کند، بلکه صرفاً به ارائهٔ تلاشهای خود به منظور شروع مذاکرات میپردازد و پس از اینکه طرفین مذاکرات خود را در خصوص حل اختلاف آغاز کردند، وظایف شخص ثالث نیز به پایان می‌رسد(ایمان الکبیر/۲۰۱۶).

۲.۲.۴ نهادهای که مساعی جمیله را انجام می‌دهد

در خصوص نهادهای که مساعی جمیله را انجام میدهد، ماده ۳ کنوانسیون لاهه منوط به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی به این موضوع پرداخته است، که عبارت است از:

کشورهای درگیر نزاع: کشورهای آسیب‌پذیر اند که از اختلافات بوجود آمده آسیب می بینند بدون اینکه طرف آن باشند. کشورهای غیر درگیر نزاع: کشور سومی که درگیر نزاع نیست اما تلاش می نماید تا نزاع به وجود آمده را حل و فصل نماید. همچنان، سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند در مواقع خاص مساعی خویش را جهت حل و فصل نزاع‌ها به کار گیرند. بطور مثال، شورای امنیت وقتی می‌بیند که امنیت بین‌المللی در خطر است، اطراف نزاع را به خویشتن‌داری دعوت نماید و یا هم بخاطر بهبود وضعیت تدابیری مؤقتی اتخاذ نماید(ایمان الکبیر / ۲۰۱۶/۲۰۱۵).

۳.۲.۴ ویژگی مساعی جمیله

مساعی جمیله به دنبال گردهم‌آرودن طرفینِ درگیر برای مذاکره میان خود هستند. وظیفه شخص ثالث محدود به تقارب دیدگاه و نظریات طرفین درگیر است بدون دخالت در آن.

در مساعی جمیله، بر خلاف میانجی‌گری، طرف ثالث در مذاکرات مشارکت نمی کند و برای حل اختلاف، پیشنهادی را مطرح نمی‌کند. مساعی جمیله در صورتی مفید هست که طرفین اختلاف هیچ گونه روابط دیپلماتیکی نداشته باشند یا اگر داشته اند آنها را قطع کرده باشند؛ بنابراین برای نمونه، اتحاد شوروی در سال۱۹۶۲ مساعی جمیله دبیرکل را در خلال بحران کوبا پذیرفت. اتحاد شوروی در عوض، مساعی جمیله خود را برای مسأله کشمیر به هند و پاکستان ارائه داد (ایمان الکبیر،۱۶/۲۰۱۶).

اغلب از طرف ثالث خواسته میشود تا تلاشهای نیک خود را به کار ببرد یا از طرف یک سازمان بین‌المللی تصمیم بگیرد. مثلا شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ از دبیرکل خواست تا برای حل اختلاف بین دو جامعهٔ یونانی و ترک قبرس که در پی تهاجم نیروهای ترک شدت یافته بود تلاش‌های نیک خود را به کار گیرد. معذلک گاهی این راه حل خطرناک به نظر می رسد؛ زیرا حد اقل در زمان تنش دخالت در امور داخلی دولت تلقی می‌شود.

به طور خلاصه باید گفت که در آیین تلاش‌های نیک شخص ثالث خود به طور مستقیم در حل ماهوی اختلاف دخالت نمیکند، بلکه صرفا به ارائهٔ تلاشهای خود به منظور شروع مذاکرات میپردازد و پس از اینکه طرفین مذاکرات خود را در خصوص حل اختلاف آغاز کردند وظایف شخص ثالث نیز به پایان میرسد.

این مساعی یا برای جلوگیری از افزایش اختلاف و پیش‌گیری از وقوع جنگ است و یا برای خاموش ساختن شعله جنگی است که بین دو دولت روشن شده است. مثل مساعی ایالات متحده آمریکا برای حل

اختلاف بین فرانسه و سیام در سال ۱۹۴۶ و همچنین مساعی ایالات متحده در مداخله بین هالند و اندونیزیا در اثر آغاز عملیات نظامی بین آن دو در آگست ۱۹۴۷(دانش،۱۳۹۳).

به تعبیر دیگر، تلاش‌های نیک بر حسب زمان و موقعی که به کار گرفته می شود ممکن است دارای دو هدف باشند: الف) هدف پیشگیرانه: جهت جلوگیری واجتناب از بروز برخورد مسلحانه وحل مناقشه بین المللی، مانند حل وفصل مناقشات ارضی بین فرانسه و سیام در اثر تلاشهای نیک ممالک متحده آمریکایی شمالی در سال ۱۹۴۶ که ثمر بخش بود. ب) هدف پایان بخشی: گاهی ممکن است ارایه تلاشهای نیک به منظور پایان دادن به ادامه جنگی باشد که طرفین در آن درگیر هستند. معمولاً، امکان موفقیت تلاشهای نیک در این گونه موارد قطعی نیست بلکه کاملا احتمالی است. مانند تلاشهای نیک ممالک آمریکای شمالی بین دولت‌های هلند و اندونزی در تاریخ دوم اوت ۱۹۴۷ به منظور پایان دادن به مخاصماتی که در همان سال شروع شد و به نتیجه نرسید. باید توجه داشت که این نوع اقدامات دوستانه دولت ثالث در حقیقت خود نوعی وساطت دوستانه است(صلح چی/ نژندی منش،۱۳۹۳/ ۷۵).

۳.۴ میانجی‌گری[1]

در برخی از اختلافات میزان خصومت میان طرفها چنان زیاد است که مذاکرات مستقیم بعید است رویکرد موثری برای حل و فصل اختلافات باشد. در این حالت، مداخله طرف ثالثی لازم است که مأموریت آن «سازش ادعاهای مخالف و تسکین احساسات غضب‌آلود» می‌باشد. این نوع مداخله را میانجی‌گری گویند.

میانجی‌گری یکی از شیوه‌های سیاسی – دیپلماتیک حل اختلافات بین‌المللی است که طرف ثالث که معمولاً یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی و یا یک شخصیت معروف بین‌المللی است به منظور پایان‌دادن و یا کاهش مناقشات بین دو دولت درگیر مداخله می‌کند. در میانجی‌گری، میانجی بطور دوستانه موضوعات مورد مذاکره بین طرفین اختلاف را پیشنهاد وخود نیز مستقیما در مذاکرات شرکت می‌نماید و سعی می‌کند کشورهای ذینفع را به تسلیم و سازش وادارد(علی صباغیان، ۱۳۷۶).

این روش عبارت از مساعی جمیله ای که متضمن یک عنصر جدید است و آن این است که قدرت ثالثی در مذاکره مستقیم با طرفین اختلاف، برای حل آن عمل نماید. میانجی‌گری گاهی به صورت اتفاقی از سوی خود میانجی انجام می‌شود و گاهی به صورت اتفاقی از سوی خود میانجی انجام می شود و گاهی هم دو طرف اختلاف در صورت برجسته شدن وغیر قابل کنترل‌شدن اختلاف از شخص سوم در خواست میانجی‌گری می‌نمایند(دانش،۱۳۹۳).

شخص میانجی ممکن است یک دولت یا یک فرد باشد؛ بنابراین، اگر بخواهیم تعریف از میانجی‌گری ارائه دهیم باید گفت که: «اقدام داوطلبانه و فعال یکی از اشخاص حقوق بین‌الملل به منظور برقراری سازش میان خواسته‌های متضاد و تسکین احساس رنجش احتمالی ناشی از اختلاف بین طرفین، که ممکن است به درخواست طرفین و یا به پیشنهاد یک دولت یا شخص ثالث با در نظر گرفتن همهٔ شرایط و عناصر اختلاف صورت بپذیرد» پیشنهادات میانجی‌گر چیزی فراتر از توصیه نیست و به هیچ وجه نمی‌توان آنها را نسبت به طرفین اختلاف الزام‌آور تلقی کرد(صلح چی/ نژندی منش، ۱۳۹۳).

1. Mediation

۱.۳.۴ خصوصیات میانجی‌گری

این روش معمولاً هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که:

- اختلاف بین‌المللی به مرحله‌ی پیچیده‌ای رسیده باشد؛
- تلاشهای طرفین دعوی منجر به بن بست شده باشد؛
- هیچ یک از طرفین مخاصمه برای کمک به حل آن آمادگی نداشته باشند؛
- طرفین جهت شکست بن بست به حد کافی همکاری و آمادگی از خود نشان دهند(صلح چی/ نژندی منش، ۱۳۹۳).

میانجی‌گری امریست اختیاری. یعنی هم از لحاظ میانجی و هم از نظر طرفین اختلاف، هیچ دولتی مجبور به میانجی‌گری و دخالت در حل اختلاف دو دولت نیست و دولت‌های طرف اختلاف نیز مجبور به قبول میانجی‌گری نمی‌باشند. بر اساس ماده ۳ کنواسیون نخست لاهه (۱۸۹۹) تحت عنوان حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی (۲۹ جولای ۱۸۹۹) دولت‌هایی که در اختلاف بی‌طرف هستند حق دارند تا مساعی جمیله و میانجی‌گری خود را ارائه‌دهند، حتی در زمان مخاصمات یک یا چند تن از طرفین درگیری هرگز نباید إعمال این حق را اقدامی غیر دوستانه قلمداد نمایند.

در خصوص روش میانجی‌گری همانند روش مساعی جمیله (تلاش‌های نیک) طرفین اختلاف آزادند تا میانجی را رد نمایند؛ این امر در سال ۱۸۹۸ هنگامی رخ داد که آمریکا پیشنهادهای ارائه شده از سوی پاپ، اتریش، فرانسه و بریتانیا را رد کرد و در سال ۱۹۷۲هر دو طرف جنگ ویتنام پیشنهاد میانجی‌گرانه کورت والدهایم، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد را رد کردند. بدین ترتیب، میانجی‌گری امری است کاملاً اختیاری.

خصوصیت دیگر میانجی‌گری انعطاف‌پذیری آن می‌باشد. در این شیوه، طرف ثالث محدود به قوانین و مقررات موجود نبوده است و می‌تواند تمامی شرایط مربوط به موضوع اختلاف را مورد توجه قراردهد. در صورتی که طرح‌های پیشنهادی میانجی از سوی طرفین اختلاف مورد قبول واقع نشود میانجی قادر است که پیشنهادهای جذاب جدیدی را که مستقیماً مربوط به موضوع نزاع نیستند ارائه دهد.

از خصوصیات مهم دیگر میانجی‌گری اینست که در حل اختلاف از این طریق به حیثیت و اعتبار هیچ یک از طرفین لطمه‌ای وارد نمی‌شود، برخلاف داوری یا رسیدگی قضایی؛ زیرا در روشهای اخیر، حکم و رأی به نفع یکی از طرفین و به ضرر طرف دیگری صادر می‌شود در حالیکه در میانجی‌گری علائق و منافع هر دو طرف اختلاف تا حد زیادی در طول میانجی‌گری مورد توجه قرار می‌گیرد(علی صباغیان،۱۳۷۶).

۲.۳.۴ تفاوت تلاش‌های نیک(مساعی جمیله) با میانجی‌گری

در هر دو روش، شخص ثالث حضور دارد و طرفین در اثر تلاش‌های وی به انجام مذاکرات تشویق میشوند، هر دو روش اختیاری هستند و طرفین اختلاف ملزم به قبول پیشنهادات ارائه شده نیستند و اضافه بر این، در هر دو روش میزان حاکمیت قواعد حقوقی بسیار ضعیف است. هر چند تلاشهای نیک به مثابه اقدامات دوستانه دولت ثالث است که در واقع خود نوعی میانجی‌گری دوستانه است؛ با وجود این تفاوت های نیز وجود دارد:

۱. مساعی جمیله از میانجی‌گری ساده‌تر و مستلزم تشریفات کمتری است.

۲. از نحوه اقدام و نتیجه با میانجی‌گری متفاوت است زیرا در تلاشهای نیک یا مساعی جمیله، کسب رضایت خاطر طرفین اختلاف برای اقدام شخص ثالث لازم نیست، حال آنکه، در میانجی‌گری طرفین اختلاف باید شخص میانجی را قبول داشته باشند.
۳. در تلاشهای نیک نقش شخص ثالث برقراری تماس مجدد بین طرفین میباشد و در جهت انجام مذاکرات تلاش مینماید؛ در صورتی که در میانجی‌گری شخص ثالث فراتر رفته و به منظور حل اختلاف مبادرت به تهیه و ارائهٔ طرحی می‌نماید که طرفین دعوا در رد یا پذیرش آن آزاد هستند(محمود واعظی، ۱۸).
۴. در تلاشهای نیک شخص ثالث در ماهیت دعوا وارد نمی‌شود، در این جا هدف شخص ثالث ایجاد زمینه‌های لازم (با دادن کمک‌های فنی مانند برپایی کنفرانس، تسهیل ارتباطات و ...) به منظور ایجاد فضای مساعد برای حل اختلاف است، در حالی که در آیین میانجی‌گری شخص میانجی ارائه طریق کرده و با دادن پیشنهادات لازم، در ماهیت دعوا وارد میشود.

در مرحله عمل، تمیز تلاش‌های نیک از میانجی‌گری آسان نیست. غالباً، شخص ثالث در مرحله نخست، در جهت برقراری تماس کوشش می‌کند (تلاش نیک) و در صورت موفقیت به تنظیم وارائه طرحی به منظور حل اختلاف مبادرت می نماید (میانجی‌گری) برای نمونه، اقدامات سازمان همکاری اسلامی و جنبش عدم تعهد برای پایان‌دادن به جنگ ایران وعراق(صلح چی/ نژندی منش، ۷۸/۱۳۹۳).

۴.۴ تحقیق[1]

این روش مستلزم تحقیق در مورد قواعد حقوقی یا اِعمال آنها نیست. در صورتی که اختلاف مطروحه یک اختلاف عینی و موضوعی (غیرحقوقی) باشد، شاید تحقیق و تفحص بتواند آن را فیصله دهد؛ اما اگر این اختلاف حقوقی باشد، تحقیق و تفحص میتواند به حل آن کمک کند. نقش تحقیق و تفحص، با توجه به مادهٔ ۹ کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷) در مورد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات عبارت است از «تسهیل راه حلی برای حل اختلافات با تشریح مسایل موضوعی به وسیله یک تحقیق بی‌طرفانه» این ماده پیش‌بینی می‌نماید که یک طرف ثالثی باید تحقیق را انجام دهد، اما اختلاف ممکن است با کشف مسایل موضوعی واقعی توسط مرجعی که مورد توافق طرفین است حل وفصل شود.

تحقیق معمولاً توسط یک کمیسیون تحقیق انجام می‌شود. مأموریت این کمیسیون فقط تشریح صحیح وقایعی است که منجر به اختلاف بین دو کشور شده است. اما این کمیسیون به هیچ وجه حق ندارد در خصوص تعیین مسؤولیت‌ها اظهار نظر نماید، زیرا به طور کلی هنگامی که گزارش امور به طور عینی و واقعی باشد، خود به خود مسؤولیت‌ها مشخص و آشکار می‌گردد و تنها کشورهای ذینفع، حق نتیجه‌گیری از گزارش را داشته و اختلاف را بین خودشان مستقیما و یا از طریق دیگر حل و فصل می نمایند(ضیائی بیگدلی،۱۳۹۲).

گاهی ممکن است دولت‌های طرف اختلاف، با توافق، یک کمیسیون بی‌طرف را مأمور انجام تحقیق نمایند. هدف از انجام تحقیق کشف حقیقت در خصوص مسألهٔ مورد اختلاف و در نتیجه ارائهٔ راه حلی مسالمت‌آمیز جهت حل آن اختلاف است. بسیاری از اختلافات بین‌المللی ناشی از علت واقعی یک امر است و اگر کمیسیون

1. Inquiry

بی‌طرفی به کشف و ارائهٔ حقیقت امر بپردازد تا حدود زیادی میزان تشنج کاهش پیدا می‌کند و اختلاف بین طرف‌ها کمتر می‌شود.

سازمان ملل متحد در برخی از موارد، برای حل اختلافات بین کشورها شخصیتی مطلع و بیطرف را در رأس هیأتی جهت تحقیق و بررسی موضوع مورد اختلاف تعیین می‌نماید و این هیأت پس از تحقیقات کافی، گزارش کار خود را به سازمان می دهد. نمونه بارز آن مأموریت «لویی وکمن مونز» جهت حل اختلافات مرزی ایران و عراق است[1](مرجع قبلی).

۵.۴ سازش و آشتی[2]

سازش روش نسبتا جدیدی در زمینه حل و فصل اختلافات است؛ به طوری که حتی در کنوانسیون‌های لاهه سال ۱۹۰۷ و یا میثاق جامعه ملل پیش‌بینی نشده است. این روش را دکترین تجویز کرد.

روش سازش یا مصالحه در حقیقت از روش تحقیق گرفته شده با این تفاوت که هیأت سازش یا مصالحه نسبت به هیأت تحقیق اختیار بیشتری دارد و طریقه استفاده از این روش توسط معاهده تنظیم می‌گردد (کشورهای امضاکننده یک معاهده از قبل متعهد می‌شوند که در صورت بروز اختلاف از طریق کمیسیون سازش یا مصالحه آن را حل و فصل نمایند، بدین معنی که کمیسیون سازش علاوه بر بررسی وقایع می‌تواند اظهار نظر نماید(دانش،۱۳۹۳).

۱.۵.۴ مفهوم سازش

فرآیند حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف بین‌المللی توسط طرف ثالث که از طریق ارجاع به یک کمیسیون دائمی یا یک کمیسیون ویژه سازش، که با توافق طرفین تعیین شده و وظیفه آن روشن‌ساختن واقعیات، به طور عینی و بی‌طرف، و صدور گزارشی حاوی یک پیشنهاد ملموس برای حل و فصل می باشد(علی بابایی، ۱۳۸۷).

سازش عبارت از روشی است برای حل و فصل اختلافات که ویژگی‌های تحقیق و میانجی‌گری را با هم تلفیق می‌کند. سازش به عنوان مداخله در حل و فصل یک اختلاف بین‌المللی توسط رکنی که به خودی خود فاقد اعتبار سیاسی است اما مورد اعتماد طرفین اختلاف است، با مأموریت تحقیق در مورد جنبه‌های مختلف اختلاف و ارائه راه حلی که برای طرفین الزام‌آور نمی‌باشد.

پرفسور کوت [3]در کتاب خود به ارائهٔ تعریفی از سازش پرداخته، می‌نویسد: سازش بین‌المللی را می‌توان مداخلهٔ کمیسیون در حل و فصل یک اختلاف بین‌المللی دانست که هیچ‌گونه اختیار سیاسی مستقلی از خود ندارد ولی مورد اعتماد طرفین اختلاف است و مؤظف است که به همهٔ جنبه‌های اختلاف رسیدگی نماید و نیز راه حلی ارائه نماید که پذیرش آن برای طرفین اختلاف، الزامی و اجباری نمی‌باشد. بر اساس تعریف فوق می‌توان به بیان ویژگی‌های سازش پرداخت:

۱. اعضای کمیسیون سازش را طرفین اختلاف انتخاب می‌نمایند.

---

۱ در حوت ۱۳۵۲ دبیرکل سازمان ملل یک نفر دیپلمات مکزیکی به نام «لوئی وکمن مونز» را مأمور بررسی و تحقیق درباره حوادث مرزی ایران وعراق کرد. کشورهای ایران وعراق موافقت خود را با این انتخاب اعلام کردند و مونز در رأس هیأتی مبادرت به بررسی و تحقیق نمود، و حتی شخصاً نیز از نقاط مرزی مورد اختلاف بازید کرد و در جوزا ۱۳۵۳ گزارش جامعی تهیه نمود و به سازمان داد که مورد قبول طرفین واقع شد.

2. Reconciliation

3 J.p.Cot,op.cit

۲. در نتیجه این اعضا ـ اگر چه هیچ‌گونه اختیار سیاسی مستقلی ندارند ـ اما مورد اعتماد طرفین درگیر هستند.
۳. کمیسیون سازش علاوه بر این که به تمام جنبه‌های دعوا رسیدگی می‌نماید، باید راه حلی در خصوص اختلاف ارائه کند.
۴. تصمیمات کمیسیون سازش برای طرفین الزام‌آور نمی‌باشد (مگر اینکه سازش از نوع اجباری باشد)(صلح چی، نژندی منش، ۱۳۹۳).

فرق کمیسیون‌های تحقیق با کمیسیون‌های سازش در آنست که کمیسیون‌های تحقیق مؤقتی هستند و بعد از بروز اختلاف ایجاد می‌گردند و پس از تسلیم گزارش و اظهار نظر، مأموریت شان خاتمه می‌پذیرد، در حالی که کمیسیون‌های سازش دایمی بوده و بلا فاصله پس از به‌اجرا در آمدن معاهدات مربوط تشکیل می‌گردند. معمولاً، کمیسیون سازش مرکب از پنج عضو به نام «مصلح» است که هر یک از آنها تابعیت یکی از کشورهای در حال اختلاف و یا کشورهای بیطرف را داراست(بیگدلی، ۱۳۹۲، ۴۶۰).

اصل بر اینست که کمیسیون سازش دایمی بوده اما استثناء کمیسیون سازش میتوانند به طور موقت و در خصوص یک اختلاف خاص تأسیس شود که در این صورت کمیسیون موقت نامیده میشود و یا ممکن است این کمیسیون دائمی و در خصوص تمام اختلافات فی مابین باشد که اصطلاحاً کمیسیون دائمی گفته می‌شود. البته این دو کمیسیون را می‌توان کمیسیون خاص و کمیسیون عام هم نامید(صلح چی، نژندی منش، ۱۳۹۳/ ۸۹).

۲.۵.۴ سازش اجباری

در مواردی که یکی از طرفین اختلاف برای حل و فصل اختلاف خود به روش سازش متوسل شوند، سازش اختیاری است. سازش در صورتی اجباری تلقی می‌شود که دولت‌ها توافق نمایند در صورت بروز اختلاف برای حل و فصل آن به سازش متوسل شوند؛ به عبارت دیگر، کمیسیون سازش بر حسب مورد ممکن است پیش و یا پس از وقوع اختلاف تشکیل شود. هرگاه دولت‌ها پیش از وقوع اختلاف ضمن موافقت‌نامه‌های رضایت خود را مبنی بر ارجاع اختلاف به کمیسیون سازش پذیرفته باشند، به این امر سازش اجباری گویند؛ ولی چنانچه پس از وقوع اختلاف دولتها برای حل آن به آیین سازش متوسل شوند، به این حالت سازش اختیاری گویند.

۵. نتیجه‌گیری

اختلافات در صحنه بین‌الملل از جمله مواردی بوده که خواسته یا ناخواسته در میان کشورها ظهور می‌کند و رابط میان این بازیگران را خدشه‌دار ساخته و در برخی موارد حتی اختلاف روی موضوعات کوچک منجر به تنش جدی گردیده که در نتیجه، ممکن سبب برخورد نظامی دولت‌ها گردد.

بررسی اسناد بین‌الملل نشان می‌دهد که برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی دو روش وجود: یکی راه‌های غیرحقوقی اختلافات بین‌المللی (طرق مستقیم حل اختلافات – مذاکرات و مشاوره یا نظرخواهی. راه-حل‌های دیپلوماتیک – میانجی‌گری، تحقیق و آشتی و سازش می‌باشد). آئین سیاسی حل اختلافات بین‌المللی است که در آن سازمان ملل متحد برای حل و فصل اختلافات استفاده صورت می‌گیرد از جمله صلاحیت ارکان سازمان ملل، شورای امنیت، نقش مجمع عمومی و نقش دبیرکل سازمان ملل. دیگری، راه حل‌های حقوقی

اختلافات بین‌المللی با مراجعه به محکمه بین‌المللی و دادگاه عالی عدالت و داوری دایمی بین‌المللی صورت می‌گیرد.

نتایج به دست آمده از تحقیق نشان‌میدهد که میثاق‌های بین‌المللی، تأکید بر اصل مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی نموده و دست‌برد به زور و قدرت نظامی را غیرمشروع پنداشته اند و مذاکرات، مساعی جمیله، میانجی‌گری، تحقیق و سازش را بعنوان مهم‌ترین سازِکارهای مؤثر دیپلماتیک حل و فصل اختلافات بین‌المللی تلقی نموده‌اند.

۶. منابع و ماخذ

۱. ابن منظور(۲۰۰۳) معجم لسان‌العرب، قاهره، دار الحدیث.
۲. البستانی، المعلم بطریس(۱۹۹۸) قاموس محیط المحیط، البیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۳. ایمان الکبیر(۲۰۰۶) الطرق السلمیه لتسویه المنازعات الدولیه، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه العربی بن مهیدی– ام االبواقی.
۴. سرور، دانش (۱۳۹۳) در آمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، کابل، موسسه تحصیلات عالی ابن سینا.
۵. صافی، ودیر، (۱۳۹۰) حقوق بین‌الملل عمومی، کابل، انتشارات فیضی.
۶. صلح چی، محمد علی و نژندی منش، هیبت‌الله(۱۳۹۳)، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین المللی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۷. ضیایی بیگدلی، رضا (۱۳۹۲) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش.
۸. علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۸۷)فرهنگ سیاسی آرش، انتشارات آشیان.
۹. علی صباغیان (۱۳۷۶) نقش میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات بین‌المللی. تهران، وزارت امورخارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
۱۰. عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، چ هفتم، ۱۳۸۱، نشر امیر کبیر تهران
۱۱. منشور ملل متحد (۱۹۴۵)
۱۲. واعظی، محمود، مبانی نظری میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی، دانشنامه حقوق و سیاست.
۱۳. ورام، مسعود بن عیسی، (۱۳۶۹) تنبیه‌الخواطر ونزهه النواظر، (آداب و اخلاق در اسلام) ترجمه، عطایی محمد رضا، مشهد قدس ایران.
۱۴. هدی بابکر محمد مختار، الوسائیل السلمیه لحل النزاعات الدولیه، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی آفریقا.

سایت‌ها

15. https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%88%DA%A9%D8%A7%D8%B1